



بسم اِلا الرحمن الرحیم

از بیانات آیت اِلا استاد محمد شجاعی در باره عید غدیر خم

... در غدیر خم قبلاً، خدای متعال دستور داده بود به رسول اکرم صلی اِلا علیه و آله و سلم که به مردم ابلاغ کن، هر که تو مولای او بودی و از تو اطاعت می کرد، بعد از تو از علی (علیه السلام) اطاعت کند.

آنها که به حضرت حسد داشتند، می خواستند خودشان باشند (در رأس امور) و آن حسد ها مصائب درست کرد؛ قبلاً این دستور از خدا رسیده بود، ولی رسول اِلا (ص) می ترسید که آن حسودها نگذارند و اصل قضیه را خراب کنند، یا به رسول اِلا (ص) لطمه ای وارد کنند؛ از این مسأله خوف داشت و ابلاغ ولایت حضرت را عقب انداخته بود؛ اما در حجة الوداع و در چنین روزی (عیدغدیرخم)، وحی آمد که دیگر به تأخیر نیانداز و آنی که می ترسی به تو لطمه وارد کنند، خدا تو را از آن حفظ می کند.

« یا ایها الرُّسُول بَلِّغْ ما أَنْزَلَ إِلَیْكَ مِنْ رَبِّكَ... »

این را هم شیعه گفته اند به تواتر و هم عامه که این آیه شریفه در خصوص حضرت امیر (ع) است، روایت متواتر است و شبهه ای نیست. ای رسول برسان به مردم، آنچه قبلاً به تو رسیده است، اگر این کار را انجام ندهی رسالت را ناقص گذاشته ای.

« وَ اِلاَّ یَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ »

خدا تو را از شر این حاسدان حفظ می کند. رسول اِلا (ص) هم همان را انجام داد؛ منبر درست کردند، حضرت را بلند کرد، حسود و غیر حسود آنجا جمع بودند، او را بالا برد و فرمود:

« مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيُّ مَوْلَاهُ اَللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ وَالاهٗ وَ عَادِ مَنْ عَاداهٗ »

زین سبب پیغمبر با اجتهاد نام خود و آن علی مولا نهاد

گفت هرکس را منم مولای او ابن عمّ من علی مولای اوست

کیست مولا آن که آزادت کند بند رقیّت زیایت بر کند

از غیر خدا آزاد کند و بند بندگی (غیر خدا) را از پایت بر کند که دیگر بنده ای خدا باشی.
... حضرت امیر (ع) با وجود این آیه و آیات دیگر، آنقدر می ترسید ...

علی قسیمُ الجنّةِ وَ النَّارِ

إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا
(این را هم شیعه و هم سنی به تواتر نقل کرده اند)

حضرت امیر (ع) با همه این اوصاف و آیات و روایات، آنقدر می ترسید که دیگر اینها به یادش نمی آید؛
وقتی مسأله خوف و خشیت خدا بر انسان غلبه می کند، دیگر یادش نمی آید که من چه هستم؛ حضرت
هر شب آنقدر گریه می کرد که به صعقه می افتاد؛ گاهی می رفت در بیرون منزل از خوف و خشیت
گریه می کرد که به صعقه می افتاد، شبیه اغما و بیهوشی.

فَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ قَاصِعًا

هر شب هر شب!! یک وقت کسی حضرت را در بیابان و خاموشی شب دید که افتاده است، فکر کرد که
وفات یافته اند و با عجله به طرف منزل حضرت رفت تا این خبر را برساند، وقتی درب را زد، حضرت
زهره سلام اِلا علیها آمدند و این خبر را داد؛ حضرت زهره سلام اِلا علیها از پشت درب خیلی عادی جواب
دادند که از دنیا نرفته اند؛ این حالت هر شب امیر المؤمنین (ع) است.
تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.